

حادثه‌ها

گازگرفتگی در یخچال

● رئیس پلیس آگاهی استان همدان از کشف جسدی در یخچال یک خودروی باری نیسان در همدان خبر داد و گفت: با توجه به شواهد موجود، احتمال می‌رود این فرد به‌علت مسمومیت با گاز مونوکسیدکربن جان خود را از دست داده باشد. سرهنگ رضا زارعی اظهار کرد: جسد مرد ۴۵ساله در داخل یخچال یک دستگاه خودروی باری کشف شد. او بیان کرد: طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، این فرد کارتن‌خواب هر شب اقدام به حضور در قسمت یخچال این خودرو برای استراحت می‌کرده است. او افزود: این فرد معناد برای گرم نگه‌داشتن خود، اقدام به روشن‌کردن پیک‌نیک در قسمت یخچال این خودرو و بستن در آن می‌کرد. رئیس پلیس آگاهی استان همدان احتمال داد: اشتقاق گاز مونوکسیدکربن موجب خفگی و مرگ این مرد ۴۵ساله شده باشد.

او با بیان اینکه هویت این کارتن‌خواب تاکنون مشخص نشده است، افزود: جسد این فرد تحویل پزشکی قانونی شده است.

دستبند مرورایدگران قیمت در خودروی سارقان لوازم خودرو

● یک دستبند مروراید گران‌قیمت در خودروی سارقان کشف شد. سرهنگ کیومرث حسونود، رئیس کلانتری بهارستان، با بیان این مطلب گفت: براساس تصاویر دوربین مداربسته یکی از صنوف در خیابان امیرکبیر مشخصات ناقصی از خودروی پیکانی به دست آمد که در ساعات بامدادی راننده و سرنشینان آن اقدام به سرقت لوازم خودرو می‌کردند. او افزود: تیم عملیات کلانتری با انجام عمل تطبیق چهره‌ها با تصاویر سارقان سابقه‌دار، متهمان را شناسایی کردند.

سرهنگ حسونود اضافه کرد: پس از هماهنگی‌های قضائی مأموران آنان را در مخفیگاه‌شان دستگیر کردند که علاوه‌بر مشاهده ضبط و باندهای مسروقه از خودروی پیکان، یک رشته دستبند گران‌قیمت مروراید کشف کردند. او گفت: تحقیقات تکمیلی دراین‌باره ادامه دارد.

دستگیری قاتل فراری

● رئیس پلیس آگاهی استان سیستان وبلوچستان از شناسایی و دستگیری قاتل فراری پس از گذشت دو سال از وقوع جرم در شهرستان زاهدان خبر داد.

سرهنگ ابراهیم ملاشاهی گفت: کارآگاهان پلیس در ادامه رسیدگی به پرونده‌های قتل متعلق به سال‌های گذشته و در نتیجه اشراف اطلاعاتی دریافتند فردی که حدود دو سال قبل با استفاده از اسلحه کلت‌کمری باعث قتل کودکی سه ساله و مجروحیت دو نفر دیگر شده بود و به کشور همجوار متواری شده بود، درحال‌حاضر در یکی از نقاط حاشیه شهرستان به‌صورت مخفیانه زندگی می‌کند که بلافاصله دستگیری او در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت.

ملاشاهی افزود: دراین‌راستا کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات فنی و کار اطلاعاتی، محل اختفای قاتل را شناسایی کردند و با هماهنگی قضائی در یک عملیات سریع و هدفمند درحالی‌که قصد فرار مجدد داشت، او را به‌همراه یک قبضه کلت کمری دستگیر کردند. این مقام انتظامی اضافه کرد: پس از دستگیری متهم، او در ابتدا منکر جرم خود شد، اما در نهایت پس از بازجویی‌های فنی و تخصصی و مواجهه با مستندات موجود، اعتراف کرد که قصد شلیک به کودک سه‌ساله را نداشته و به‌صورت سهوی این اتفاق افتاده است. سرهنگ ملاشاهی تصریح کرد: متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شد.

اعتراف به ۴۰ فقره سرقت موتورسیکلت

● دو سارق حرفه‌ای بعد از دستگیری به ۴۰ فقره سرقت موتورسیکلت اعتراف کردند.

سرهنگ جمعدرضا خاساب، سرپرست پلیس آگاهی استان یزد، در تشریح این خبر گفت: به‌دنبال چندین فقره سرقت موتورسیکلت در شهر یزد بررسی موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار ماموران اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی استان یزد قرار گرفت. او افزود: کارآگاهان اداره مبارزه با سرقت با انجام کارهای اطلاعاتی و تلاش شبانه‌روزی دو سارق حرفه‌ای و سابقه‌دار را شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه آنها را دستگیر کردند. سرپرست پلیس آگاهی استان یزد افزود: سارقان در اداره پلیس به ۴۰ فقره سرقت موتورسیکلت در نقاط مختلف شهر یزد اعتراف کردند.

حساباب با بیان اینکه در بازرسی انجام‌شده از مخفیگاه متهمان ۳۵ دستگاه موتورسیکلت سرقتی کشف و تحویل مال‌باختگان شده است، گفت: با دستور مقام قضائی متهمان این پرونده روانه زندان شدند. این مقام انتظامی در پایان افزود: تلاش پلیس برای کشف دیگر سرقت‌های احتمالی ادامه دارد.

شرق: کیفرخواست علیه چهار جوان که از صحنه کشتن دوست‌شان فیلم‌برداری کرده و با جنازه در حال سوختن او سلفی گرفته بودند، صادر شد و آنها به‌زودی پای میز محاکمه می‌روند. این پرونده از روز سوم مهر با اعلام گزارش یک چوپان مبنی بر کشف جسد سوخته در مهاباد به جریان افتاد. این چوپان جنازه را به‌طور اتفاقی کنار جاده‌ای دید و پلیس را باخبر کرد. مأموران بعد از حضور در محل تحقیقات خود را آغاز کردند اما ردی از قاتل یا قاتلان وجود نداشت و هویت مقتول نیز نامعلوم بود.

یک روز بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی زنی نرزد کارآگاهان پلیس آگاهی مهباد رفت و اعلام کرد پسر ۱۹سال‌اش به نام صادق گم شده است. مشخصاتی که این زن از فرزندش ارائه داد با ویژگی‌های پیکر سوخته همخوانی داشت به‌همین‌دلیل زن میان‌سال به پزشکی قانونی معرفی شد و بعد از رؤیت جسد تایید کرد مقتول، فرزندش است. این زن به کارآگاهان توضیح داد: «شب حادثه

شرق، شهرزاد همتی؛ معلوم نیست چه زمانی اعدام می‌شود. خودش می‌گوید از روز تولد ۱۸سالگی منتظر است. امیرحسین، قاتل ستایش، که هیچ‌کس دوستش ندارد... خودش را این‌طور معرفی می‌کند و می‌گوید دلم می‌خواهد یک روز، فقط یک روز مثل آدم‌های عادی زندگی کنم. اما خط تلفن زندان رجایی‌شهر که سر هر سه دقیقه و ۳۰ ثانیه اخطار می‌دهد که: تماس‌گیرنده زندانی می‌باشد! این فرصت را به ما نمی‌دهد که تخیل کنیم. امیرحسین زیر تیغ است و با وجود جرمی که مرتکب شده و اشتباه بزرگش نمی‌شود کتمان کرد که مطابق قانون کنوانسیون حقوق کودک، او هنوز کودک بود. از یک‌سال‌وونیم پیش که ستایش قریشی دخترک ۹ساله افغانستانی به طرز فجیعی در خیّرآباد ورامین به قتل رسید، مثل دیگر جرم‌هایی که جنبه عمومی‌اش سرورصدای زیادی دارد، دشت و اشتباه متهم فراموش شد از طرفی خانواده ستایش به خاطر مهاجربودن آن‌طور که بایدو‌شاید مورد دلجویی قرار نگرفتند و حالا برای امیرحسین اشدد مجازات یعنی دو بار اعدام را در نظر گرفته‌اند. ممکن است وقتی شما این سطور را می‌خوانید، امیرحسین دیگر وجود نداشته باشد، اما در مکالمه ۲۰دقیقه‌ای با او، نه فاقد وجدان به نظر می‌رسید و نه ضرور بود. امیرحسین نوجوان وحشت‌زده‌ای است که تاوان تمام آسیب‌های اجتماعی یک محله را پس می‌دهد... صدایش آرام است، کوتاه و منقطع جواب می‌دهد، فقط وقتی صحبت پلی استیشن، باندهای ضبط و موزیک دیسک لاو و خواهرزاده‌اش می‌شود‌ته دلش غنچ می‌زند و صدایش پر از خنده می‌شود. اولش که می‌پرسیم چه‌کار می‌کنی، می‌گوید: آن‌قدر نماز و قرآن می‌خوانم تا خدا با من حرف بزند... بعد درباره تولدش سؤال می‌کنیم؛ تولد ۱۸سالگی‌اش از ۲۵ آذری که گذشت، او می‌گوید: «دو سال است که تولد برایم معنایی ندارد. آن‌قدر فکر و خیال و بدبختی داشتم‌که اصلا نفهمیدم چطور گذشت».امیرحسین می‌گوید خواب ستایش را می‌بیند، خواب صحنه قتل را همان‌طور توی مه می‌بیند... فقط می‌بیند که از پله‌ها بالا می‌روند و بعد همه چیز سیاه می‌شود...»

▲ امیرحسین! فکر می‌کنی چرا آن اتفاق افتاد؟ اصلا قصد قبلی داشتی؟

نه به خدا اصلا نفهمیدم چه شد و چه چیزی توی مشرویم مخلوط کرده بودند اصلا نمی‌دانم چرا این‌طوری شد.

▲ تو قبیلش چیزی استفاده کرده بودی؟

فقط عرق خالی بود.

▲ قبل از این اتفاق وضعیت چطور بود؟ دوستان صمیمی داشتی؟

بچه بودم بازی می‌کردم، بعد از ظهرها توپ پلاستیکی می‌آوردم بازی می‌کردم. بعضی وقت‌ها می‌رفتم قهوه‌خانه... با گوشه موبایل بازی می‌کردم، به خدا اصلا توی محل سرم را بالا نمی‌کردم... به خدا این‌طوری که می‌گویند نبود...

▲ دوست صمیمی داشتی؟ اسمشان بادت می‌آید؟

یکی محمد بود و آن یکی امین که فامیلی‌اش یادم رفته هم‌کلاسی نبودیم، اما توی یک محل بودیم. محمد کوچک‌تر بود و امین سه سال بزرگ‌تر بود، من متولد ۷۸ هستم و او ۷۵ بود.

چهار نفر از دوستان پسرم که با او هم‌دانشگاهی و هم‌سن‌وسال بودند، دنبالش آمدند تا برای تفریح بیرون بروند. آنها صادق را سوار خودروی پراید خود کردند و رفتند و از آن به بعد دیگر خبری از پسرم نشد». کارآگاهان پلیس به‌سرعت هویت آن چهار جوان را فاش کردند و یک روز بعد از شناسایی هویت مقتول موفق شدند آنها را بازداشت کنند. متهمان وقتی تحت بازجویی‌های تخصصی قرار گرفتند به ارتکاب قتل اقرار کردند. آنها مدعی شدند با انگیزه ناموسی دست به این جنایت زده‌اند. کارآگاهان در این مرحله از تحقیقات پی بردند متهمان با نقشه قبلی، صادق را همراه خود برده و او را با داروهای خواب‌آور مسموم، سپس با ضربات چاقو و ساطور مجروح کرده و درنهایت او را درحالی‌که توان دفاع از خود را نداشت، به آتش کشیدند.

موضوعی که پلیس را متحیر کرد کشف فیلمی از مراحل قتل صادق بود. متهمان ۱۸ تا ۲۰ساله از تمام اعمال خود فیلم‌برداری کرده و هنگام

حوادث

کیفرخواست علیه قاتلانی که با جسد سلفی گرفتند

سوزاندن جسد با آن سلفی گرفته بودند.

این فیلم حدود ۱۵ دقیقه است و چند بار قطع‌ووصل می‌شود. اولین تائیه‌های آن نیز صادق را درحالی‌که سرش زخمی است و به حالت تقریباً بی‌هوش در صندلی عقب ماشین نشسته و سرش روی بالشتک خودرو افتاده، نشان می‌دهد. متهمان خیلی خونسرد و آرام هستند، صدای ضبط خودرو را بلند کرده‌اند و ماشین هم در حال حرکت است. آنها دستکش سفید دارند و به صورتشان نیز ماسک زده‌اند. فیلم لحظه‌ای قطع می‌شود اما در شروع دوباره مشاهده می‌شود متهمان ماشین را به بیرون از شهر برده‌اند و در حال پیاده‌شدن از آن هستند. سپس با ساطور و چاقو ضرباتی به صادق می‌زنند. در این لحظه، صدای یکی از متهمان می‌آید که به دیگری می‌گوید: «برو تو هم بزن... داره بلند می‌شه...». فیلم تائیه‌های آخر، صادق را درحالی‌که در آتش است، نشان می‌دهد. متهمان بنزین ریختند و او را آتش زدند. در بخشی از فیلم دو نفر از

گفت‌وگو با امیرحسین؛ نوجوانی که دختر افغانستانی را به قتل رساند

در زندان ستایش صدایم می‌زنند



▲ الان در زندان بزرگ‌سالان هستی؟ سخت نیست؟
ادیت که می‌شوم، اما به‌خاطر کاری که کرده‌ام تحمل می‌کنم.

▲ رفتار زندانیان چگونه است؟
در ظاهر خوب‌اند، ولی پشت‌سرم خیلی حرف می‌زنند.

▲ مثلاً چه می‌گویند؟
چندبار قصد آزار داشتن که وکیل بند نگذاشت. حرف‌های عادی بزند، نگوید چرا چرا چرا... انکار من از تلفن عمومی زنگ زده‌ام حالشان را بپرسم...

▲ آن روزی که اتفاق افتاد ستایش را طبقه بالا بردی چیزی نگفت؟
نه چیزی یادم نیست. آن‌قدر الکل مصرف کرده بودم که گیج گیج بودم و نفهمیدم چه‌کار کردم. **▲ ستایش را چقدر می‌شناختی؟**

می‌آمد خانه ما و با بچه خواهرم بازی می‌کرد.

آن‌قدر کوچک بود که حد نداشت و به خدا، به

قرآن من اصلا هیچ فکری درباره‌اش نمی‌کردم.

▲ درست چطور بود؟

زیاد خوب نبود، اما در مدرسه ممتاز اخلاق شده بودم. دوسال پشت‌سر هم ممتاز اخلاق شده بودم.

▲ دلت برای مدرسه‌رفتن تنگ نشده؟
چرا خیلی... خیلی دلم می‌خواهد بروم مدرسه فقط یک ساعت بشوم آدم عادی. گاهی به مدیر مدرسه‌مان زنگ می‌زنم و با او حرف می‌زنم.

▲ واکنش او چگونه است؟
او هم می‌گوید تو که آن‌قدر بچه خوبی بودی، چطور این اتفاق برایت افتاده.

▲ فکر می‌کنی آخرش چه می‌شود امیرحسین؟
... نمی‌دانم به خدا...

▲ از مردن می‌ترسی؟
...بله.

▲ توی همه این روزهایی که زندان بودی سخت‌ترین وقتش چه زمانی بود؟

موقعی که دادگاه داشتیم و خانواده ستایش می‌آمدند خیلی سخت بود. شرمندشان بودم.

▲ هیچ‌وقت به خانواده‌اش چیزی نگفتی؟
رویم نمی‌شود...

متهمان دیده می‌شوند که دوربین را بالا می‌آورند و به‌حالت سلفی ژست می‌گیرند. انتشار خبر سلفی‌گرفتن قاتلان با جسد سبب شد افکار عمومی نسبت به این پرونده بسیار حساس شود به‌همین‌دلیل پیگیری موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار دستگاه قضائی قرار گرفت. در این میان باید نخست علت اصلی مرگ صادق مشخص و سپس معلوم می‌شد هر کدام از چهار متهم چه نقشی در قتل داشتند. این مرحله از تحقیقات اکنون به پایان رسیده است. مصطفی حبیبی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان غربی، با اشاره به آخرین وضعیت پرونده قتل صادق، گفت: نظر پزشکی قانونی درباره این پرونده واصل و قرار مجرمیت و کیفرخواست صادر شده است. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان غربی با بیان اینکه پرونده به دادگاه ارسال شد، گفت: براساس نظر پزشکی قانونی علت فوت سوختن و آتش‌زدن بوده است.

من را در محله دوست داشتند. خانه‌شان نمی‌رفتم، ولی حیاطشان کوچک بود و پتو که می‌شستند در خانه ما پهن می‌کردند. **▲ هیچ‌وقت حرف خاصی توی دادگاه زدند؟**
نه، فقط می‌گفتند عقل و شعور کامل است و اعدام می‌شوی.

▲ چقدر طول کشید تا فهمیدی چه کرده‌ای؟
آن‌قدر مست بودم که یک روز گذشت تا بفهمم چه کرده‌ام.

▲ کریه می‌کردی؟
بله.

▲ به چه کسی گفتی؟
به دامادمان و امام‌جمعه خیرآباد و بعد رفتم کلانتری.

▲ چرا ستایش را انتخاب کردی؟
به‌خدا اصلا انتخاب نبود... من اصلا تمایل جنسی نداشتم. ستایش بچه بود به‌خدا. به‌خدا هیچ چیزی یادم نمی‌آید.

▲ دلت برای خانه تنگ نشده؟
برای باندهای اکو دلم تنگ شده. دیدی باندهایم را؟ وای خدا چقدر سونی بازی می‌کردیم... جان من باندهایم را ندیدی رفتری وجود نداشته باشد.

▲ دیدم... با باندها چه گوش می‌کردی؟
آهنگ علی‌بابا گوش می‌کردم. دیس لاو گوش می‌کردم. عاشق علی‌بابا هستم... آهنگ جدید نخوانده؟ حتما خوانده...

▲ دلت می‌خواهد علی‌بابا را ببینی؟
زلالا، خیلی دلم می‌خواهد. هیچ آدرسی ازش پیدا نکردم...

▲ یکی از شرعهای علی‌بابا را می‌خوانی برای من؟

یه میز گرد دوباره منو تو به کیک

▲ به آینده فکر می‌کنی؟
خوش اومدی غریبه قدمت رو چشم شیب‌ها خیلی فکر می‌کنم. دلم می‌خواهد خانواده ستایش گذشت کنند. در حق من ظلم شد. همان روزی که خودم را معرفی کردم، باید از من آزمایش خون می‌گرفتند، ولی نگرفتند و گفتند توی حالت عادی بوده. تو الکل من نمی‌دانم چه بود. از بالای خیرآباد گرفته بودم.

▲ از خانواده‌ات دلگیری امیرحسین؟
دلم برای بابام می‌سوزد، اما آنها را مقصر می‌دانم. بابایم نمی‌گذاشت خواهرهایم قبل از ازدواج از خانه بیرون بروند. تا وقتی ازدواج کردند گوشی نداشتند، اما در اختیار من همه چیز گذاشت بیا، ستایش برو، ستایش بخواب، ستایش غذا بخور، ستایش بمر.

▲ برای چه کارهایی دلت تنگ شده؟
دلم می‌خواهد بروم سر زندگی‌ام، با بچه خواهرم بازی کنم. الان نزدیک یک‌سال است که او را ندیده‌ام؛ دلم می‌خواهد ببینمش.

▲ دایی خوبی هستی؟
من خیلی دوستش داشتم (می‌خندد).

▲ فکر می‌کنی آینده خواهرزاده‌ات توی خیرآباد چگونه باشد؟

خدا بخواهد و آزاد شوم، همه را از آن محل جمع می‌کنم و می‌روم.

▲ توی زندان دوست صمیمی داری؟
اینجا کسی از من خوشش نمی‌آید.

▲ اهل محل دوست داشتند؟ خانه ستایش می‌رفتی؟

رخداد

بازداشت مأمور قلابی

● فرمانده انتظامی شهرستان بندرعباس از دستگیری فردی که خود را به‌عنوان مأمور یکی از سازمان‌ها معرفی می‌کرد، خبر داد.

سرهنگ محمداسماعیل مشایخ گفت: مأموران انتظامی شهرستان، حین گشت‌زنی در بلوار ساحلی و برابر اعلام نماینده حقوقی یکی از سازمان‌ها متوجه شدند فردی با یک دستگاه بی‌سیم دستی به مغازه‌ها مراجعه می‌کند. او افزود: در بررسی دقیق و پرس‌و‌جو از مغازه‌داران مشخص شد این فرد خود را به‌عنوان مأمور یکی از سازمان‌ها معرفی کرده و از آنان اخاذی می‌کند.

این مسئول انتظامی تصریح کرد: متهم بلافاصله دستگیر و در بازرسی از او یک دستگاه بی‌سیم دستی کشف شد که برای بازجویی دقیق‌تر به یگان انتظامی منتقل شد.

۳ برادر سارق به دام افتادند

● پلیس آگاهی شهرستان بینالود با دستگیری سه برادر سارق، ۲۰ فقره سرقت باغ‌ویلاها و ساختمان‌های در حال ساخت را کشف کرد.

سرهنگ «حسین دهقانپور»، فرمانده انتظامی شهرستان بینالود، گفت: درپی چند فقره سرقت از باغ‌ویلاهای بخش شاندیز پلیس آگاهی این فرماندهی، مسئول رسیدگی به این پرونده شد.

او افزود: کارآگاهان پلیس آگاهی پس از بررسی سرقت‌ها، ضمن تقویت گشت‌های محسوس و نامحسوس و پس از چند روز تحقیقات میدانی، باتوجه به سرنخ‌های به‌دست‌آمده به سه برادر سابقه‌دار مشکوک و با جمع‌آوری ادله کافی آنها را با هماهنگی مقام قضائی در اقدامی ضربتی دستگیر و در بازرسی از مخفیگاه آنان مقادیری اموال مسروقه کشف کردند. سرهنگ دهقان پور تصریح کرد: متهمان در چندین مرحله بازجویی‌های علمی پلیس به ۲۰ فقره سرقت از باغ‌ویلاها و ساختمان‌های درحال ساخت بدون تکمیل و تجهیزات ایمنی، با استفاده از یک دستگاه وانت نیسان اعتراف کردند.

فرمانده انتظامی شهرستان بینالود با اشاره به معرفی متهمان به دادسرا خاطرنشان کرد: رعایت اصولی نظیر استفاده از دوربین‌های مداربسته استاندارد با قابلیت تصویربرداری مناسب در شب، قفل و حفاظ مناسب و همچنین کساردن نگهبان محله در نقاطی که چندین باغ‌ویلا در نزدیکی هم قرار دارند، از نکاتی است که می‌تواند از بروز چنین مواردی پیشگیری کند.

سارق دوجرخه دزد لوازم خودرو هم بود

● فرمانده انتظامی استان فارس از دستگیری یک سارق و کشف ۲۵ فقره سرقت لوازم خودرو و دوجرخه در شیراز خبر داد. سردار «احمدعلی گودرزی» بیان کرد: با شکایت یکی از شهروندان درپی سرقت دوجرخه از داخل پارکینگ خانه‌اش و حضور سارق در اطراف منزلش، بلافاصله مأموران انتظامی به محل اعزام و سارق را با دوجرخه مسروقه شناسایی و در یک اقدام غافلگیرانه او را دستگیر می‌کنند. گودرزی افزود: پرونده‌ای دراین‌باره تشکیل و برای تحقیقات و سرقت‌های احتمالی دیگر به پلیس آگاهی منتقل شد. فرمانده انتظامی استان فارس تصریح کرد: پس از تحقیقات و بازجویی‌های فنی و تخصصی سارق به ۲۴ فقره سرقت درون خودرو و یک فقره سرقت دوجرخه در شیراز اعتراف کرد.

اعتراف به ۲۱ فقره سرقت

● فرمانده انتظامی شاهرود از دستگیری سارق سابقه‌دار با اعتراف به ۲۱ فقره سرقت قطعات و لوازم داخل خودرو در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ «سیدمجتبی اشرفی» اظهار داشت: درپی وقوع سرقت محتویات داخل خودرو در یکی از شهرک‌های شاهرود، مأموران پلیس به‌صورت ویژه پیگیر موضوع شدند. او افزود: اشراف اطلاعاتی و تحقیقات میدانی پلیس در پای سارق سابقه‌دار و معتادی را در وقوع این سرقت‌ها نشان می‌داد.

سرهنگ اشرفی به شیوه و شگردهای این سارق حرفه‌ای اشاره کرد و گفت: مأموران با اقدامات فنی و تخصصی در یک عملیات غافلگیرانه این مجرم را حین ارتکاب جرم دستگیر کردند. این مسئول انتظامی تصریح کرد: سارق در بازجویی‌های انجام‌شده به ۲۱ فقره سرقت لوازم و محتویات داخل خودرو اعتراف کرد. فرمانده انتظامی شهرستان شاهرود با بیان اینکه سارق به انگیزه تأمین هزینه‌های اعتیاد دست به این اعمال مجرمانه می‌زد، گفت: پرونده تکمیلی به‌همراه مجرم به مراجع قضائی تحویل داده شد.

ارسال مواد مخدر با پیک موتوری

● ۱۰۵ کیلو تریاک که ازطریق پیک موتوری جابه‌جا می‌شد، کشف شد. سرهنگ اسماعیل افشاری‌آقدم، رئیس کلانتری ۱۱۰ شه‌اد، با بیان این مطلب گفت: با پیگیری‌های مأموران پلیس متوجه باندی شدیم که به فروش موادمخدر در ظروف غذا اقدام می‌کردند. او افزود: فروش این مواد بعد از تماس با فرزندش، در پوششش پیک موتور اغذیه برای معتادان ارسال می‌شد و فروشنده با پیک موتوری و در قالب ظروف غذا، مواد مخدر را جابه‌جا می‌کرد. رئیس کلانتری شهدا گفت: با دستگیری متهم فرش، ۱۰کیلو تریاک کشف و ضبط شد.